

بررسی شیطان از دیدگاه آیات و روایات

رویا سیاوشی^۱

چکیده

موضوع مقاله بررسی شیطان از دیدگاه آیات و روایات می‌باشد. شیطان دشمن قسم خورده آدمی از ازل بوده و همواره در صدد چیره کردن گمراهی و بستن راه هدایت بر بشر خواهد بود. لذا ضرورت دارد که جهت آگاهی افراد و شناخت هر چه بیشتر با موضوع شیطان از دیدگاه آیات و روایات به فعالیت‌های علمی پرداخته شود. هدف از ارائه مقاله پیش رو کسب آگاهی درباره شیطان می‌باشد اگرچه شناخت شیطان توسط عقل آدمی ممکن نیست لکن آیات فراوانی به بیان و تعریف ماهیت شیطان و ویژگی خبیثانه او نازل شده است. اهمیت شناخت شیطان به مانند اهمیت مقابله با او می‌باشد، هدف اصلی شیطان گمراه نمودن بشر می‌باشد، لاجرم این گمراهی دارای ابزار و لوازمی خواهد بود که در این جا به آن پرداخته شده است. در این مقاله به بررسی چگونگی آفرینش شیطان، سلطه شیطان، کمینگاه شیطان و وسوسه‌های ابلیس، هم چنین وسایل وسوسه‌گری و برنامه‌های شیطان و نیز به گام‌ها و صفات ابلیس اشاره شده است.

واژگان کلیدی: شیطان، روایات، وسوسه.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه معصومیه (siahiroya@gmail.com).

مقدمه

انسان در پی رسیدن به کمال و سعادت است و این امر خیر با اجرای دستورات خداوند انجام نمی‌گیرد که نقطه مقابل آن شیطان می‌باشد پس همراهی با شیطان موجب دوری از خداوند و پشیمانی می‌شود.

امروزه با قرار گرفتن در دوره‌ای که راه‌های نفوذ شیطان و وسوسه‌های آن زیاد می‌باشد راهنمایی‌های شیطان سبب سرگردانی و ضلالت بیشتر خواهد شد.

شیطان برای گمراه کردن انسان از روش‌های متعددی مانند وسوسه، فریب، وعده‌های دروغ، فراهم سازی انجام گناه، فساد انگیزی و مانند آن بهره می‌جوید.

اگر انسان گوش به فرمان شیطان باشد و فریب سخنان او را بخورد نمی‌تواند به خداوند یکتا نزدیک شود. زیرا شیطان موجودی است که با تمام نیرو سعی در گمراهی انسان دارد چون خود را برتر از انسان می‌داند و هدف از ارائه این مقاله چنین است که ما با شناخت شیطان و راه‌های مقابله با آن چگونه از دین خود مراقبت کنیم و نفس خویش را نگه داریم.

پژوهش پیش رو که به ماهیت شیطان و ابزار آن برای گمراهی انسان با توجه به آیات و روایات پرداخته شده است.

همراهی و پیروی از شیطان باعث دوری از خداوند متعال می‌شود و مانع رشد تعالی معنوی که همان هدف از خلقت انسان است خواهد شد پس شیطان قسم خورده که نگذارد انسان به کمال برسد.

مفاهیم

الف – شیطان

معنای لغوی شیطان: شیطان در لغت از شطن به معنی دور شده است و یا اریشه ی (شاط) به معنای از بین رفتن چیزی به واسطه سوختن یا غیر آن. (عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۸۸)

معنای اصطلاحی: شیطان اسم جنس و نامی عام برای هر موجود شریر و متمرّد و فریب کار از جن و انس و حیوانات است. (راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۷۸)

ب) روایت

معنای لغوی روایت: در لغت به معنای حمل است. (فیومی، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۴۶)

معنای اصطلاحی روایت مترادف با معنای حدیث می‌باشد و همان حوزه معنایی حدیث درباره روایت نیز جاری است هرچند که اصطلاح روایت کاربرد کمتری نسبت به حدیث دارد و به حدیث از آن جهت روایت گفته شده است که گفتار، فصل یا تقریر معصوم را نقل یا حمل می‌کند. (نصیری، حدیث شناسی، ج ۱، ص ۳۰)

معنای لغوی در لغت به معنای صدای آرام و پنهانی است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۵۵)

معنای اصطلاحی: عبارت است از هرچه که باعث روگردانی دل، از یاد خدای سبحان باشد. (علی سعادت پرور، سرالاسرار، ج ۱، ص ۱۲۲)

آفرینش شیطان

بسیاری می‌پرسند شیطان که موجود اغواگری است اصلاً چرا آفریده شده؟ و فلسفه وجود او چیست؟ در پاسخ می‌گوییم: اولاً خداوند شیطان را شیطان نیافریده به این دلیل که سال‌ها همنشین فرشتگان و بر فطرت پاک بود. ولی بعد، از آزادی خود سوء استفاده کرد و بنای طغیان و سرکشی گذارد. پس او در آغاز پاک آفریده شد و انحرافش بر اثر خواست خودش بود (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۹۴، ج ۲، ص ۱۱۱)

ثانیا: از نظر سازمان آفرینش، وجود شیطان برای افراد با ایمان و آن‌ها که می‌خواهند راه حق را بپویند زیان بخش نیست بلکه وسیله پیشرفت و تکامل آنهاست، چه این که پیشرفت، ترقی و تکامل، همواره در میان تضادها صورت می‌گیرد. به عبارت روشن‌تر: انسان تا در برابر دشمن نیرومندی قرار نگیرد هرگز نیروها و نبوغ خود را بسیج نمی‌کند و به کار نمی‌اندازد، همین وجود دشمن نیرومند سبب تحرک و جنبش هرچه بیشتر انسان و در نتیجه ترقی و تکامل او می‌شود. (همان)

این که در آیات قرآن شیطان دشمن آشکار معرفی شده است یا به خاطر دشمنی او از روز اول با آدم است که به واسطه نافرمانی در برابر سجده آدم همه چیز خود را از دست داد و یا به خاطر این است که دستورات او همچون قتل و خیانت و تبهکاری برای همه آشکار است.

همه می‌داند این قبیل برنامه‌ها از یک دوست نیست، بلکه دعوت‌هایی است از یک دشمن خطرناک که جز بدبختی انسان چیزی نمی‌خواهد و یا به واسطه ی این است که شیطان صریحاً دشمنی خود را با انسان خبر داده و کمتر عداوت او را بسته است و اعلام نمود: "لَا غَوِيَّ لَهُمْ أَجْمَعِينَ" می‌گویم تا همه را گمراه کنم. (سوره ی، حجر، آیه ۳۹)

بنابراین شیطان از اول پاک بوده و به خواست خود به دشمنی با انسان پرداخته است و انسان نیز با اختیار خود از شیطان پیروی می کند یا با او دشمنی ورزد، شیطان تلاش بر وسوسه گری و گمراهی انسان دارد. این انسان است که باید مراقب اعمال خود باشد.

حارث یکی از نام‌های شیطان

سمره بن جندب از پیامبر اکرم (ﷺ) چنین نقل می کند: هنگامی که حوا فرزندی آورد ابلیس اطراف او را گرفت و قبل از آن هیچ فرزندی از او زنده نمی ماند شیطان به حوا پیشنهاد کرد نام او را (عبدالحرث) بگذارد.

(حارث یکی از نام‌های شیطان است بنابراین عبدالحرث یعنی بنده شیطان) حوا چنین کرد و آن فرزند زنده ماند و این از وحی شیطان و فرمان او بود. (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، باب ۶، ص ۲۴۹)

سلطه شیطان

بعضی از افراد در مورد سلطه شیطان خرده می گیرند که چگونه خداوند موجود خطرناکی به نام شیطان را بر نوع انسان مسلط ساخته و در عین حال از آن ها می خواهد که پیروی شیطان نکنند. باید دانست که شیطان از دیوار و پشت بام وارد نمی شود بلکه در می زند هر کس در راه روی او گشود شیطان وارد خانه دلش شده و بر او مسلط می شود اما کسی که در راه رویش ببندد شیطان به ناچار مایوسانه برمی گردد. (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۹۶)

قرآن کریم در مورد تسلط شیطان بر انسان چنین می فرماید: "إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند تسلطی نیست." (سوره ی، نحل، آیه ۹۹)

مقدمات سلطه شیطان را خودمان فراهم می کنیم تا مردم ولایت منحرفان را نپذیرند، آنان کاری از پیش نمی برند، در واقع وسوسه های تدریجی شیطان، همانند میکروب های بیماری زا هستند که در همه جا وجود دارد. اما از نظر ابتلا تنها آن گروه را مبتلا می سازند که بر اثر ضعف و بنیه، قدرت مقاومت در برابر میکروب را ندارند. قرآن استیلا و تسلط شیطان را تنها بر کسانی می داند که او را دوست خود گرفته اند و به اغوا و فریب شیطان، نسبت به خدای یکتا شریک ورزیده اند. موحدین واقعی از نفوذ شیطان بیمه هستند لکن هر کس به سراغ غیر خدا رفت نفوذ پذیر می شود. امام

علی (علیه السلام) می‌فرماید: "ذِكْرُ اللَّهِ دِعَامَةُ الْإِيمَانِ وَ عِصْمَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ یاد خدا، ستون ایمان است و حفظ کننده از شیطان." (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرالحکم و درالکلم، ص ۱۸۸) بله درست است که شیطان به هنگام در زدن اصرار می‌ورزد و پا فشاری می‌کند اما در برابر او فرشتگان الهی نیز هشدار می‌دهند و امدادگری می‌کنند و شیطان نسبت به کسی که خودش را در پناه خداوند قرار داده ضعیف می‌باشد.

کمینگاه یأس

کمینگاه و گلوگاه به موقعیت‌هایی گفته می‌شود که برای دشمن فرصتی طلایی و برای ما سخت شکننده و خسارت بار است چون در این موقعیت‌ها شرایط ما به گونه‌ای است که در تیررس دشمن قرار داریم و هر لحظه ممکن است در دام او گرفتار شویم مانند ماهی که غافل از دام و کمین است

و ناگاه به دام می‌افتد و صید می‌شود یکی از این کمینگاه‌ها و فرصت برای شیطان هنگامی به وجود می‌آید که انسان از رحمت خدا مأیوس گردد. یاسی که پس از شرک به خدا هیچ گناهی بزرگتر از آن نیست و آدمی را تا سرحد کفر پایین می‌آورد و از گناهان کبیره نیز شمرده شده است چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: "إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ و از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند." (سوره ی، یوسف، آیه ۸۷) یاس از رحمت خدا و ناامیدی از برآوردن خواسته‌ها و نیازها بحران می‌آفریند و سبب جرات بر جمیع گناهان می‌گردد چون می‌گوید:

حال که من مؤمن مورد عذاب خدا قرار گرفته‌ام چرا خود را از شهوت دنیا محروم نمایم؟ به قول ضرب المثل معروف: "آب که از سر گذشت چه یک ذرع چه صد ذرع چه یک نی چه صد نی!" در واقع خود را بی‌پناه می‌پندارد و شیطان نیز در جستجوی چنین انسان‌هایی است که از درگاه خدا قطع امید کرده و بی‌پناه شده‌اند. ابو نصر بزنطی که از اصحاب امام هشتم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است می‌گوید: "خدمت امام (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم چند سالی است که از خدا حاجتی می‌طلبم و در دلم از تاخیر اجابت آن، احساسی دارم، حضرت فرمود: "إِيَّاكَ وَالشَّيْطَانَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْكَ سَبِيلٌ حَتَّى يُقْنَطَكَ؛ مواظب باش شیطان از این رهگذر تو را به وسوسه نیندازد تا آن که مأیوست نماید. (اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۲۴۴)

۳- محدود شیطان

شیطان بعد رانده شدن از درگاه پروردگار به گمراهی همه بندگان قسم یاد کرده است مسلم آن است که شیطان با طرق مختلف انسانها را گمراه کرده و از مسیر خارج می کند و در این میان نقشی جزء دعوت و وسوسه ندارد، چنان که در سوره ابراهیم آمده است:

"وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي؛ شیطان می گوید: خدا به شما وعده درست داد و من نیز به شما وعده (باطل و نادرست) دادم و تخلف کردم من بر شما تسلطی نداشتم جز این که دعوتتان کردم و شما اجابت کردید مرا ملامت نکنید خودتان را ملامت کنید من فریادرس شما نیستم و شما نیز فریادرس من نیستید." (سوره ی، ابراهیم، آیه ۲۲)

قدرت و تسلط شیطان بر انسان محدود است چون قلمرو شیطان تشریع توأم با تکوین است یعنی می تواند در وجود انسان آن هم در اندیشه او و نه در تن و بدنش نفوذ کند نفوذ شیطان هم به این صورت است که انسان را وسوسه می کند و یک امر ناشایستی را در نظر او خوب جلوه می دهد و او انسان را به گناه و تباهی می کشاند از سویی هم تسلط او بر بشر اندک است به طور مطلق در جان او نمی تواند نفوذ بکند تا به او را مقهور خود کند زیرا این کار خارج از محدوده شیطان است که به زور انسان را وادار به گناه کند چنین تسلطی ندارد لذا این خود انسان است که دست ارادت به شیطان می دهد بنا به فرمایش قرآن مجید: "إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ، إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَهُ؛ چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند تسلطی نیست، تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی گیرند." (سوره ی، نحل، آیه ۱۰۰ و ۹۹)

بنابراین، شیطان در قیامت وقتی مورد اعتراض انسان قرار می گیرد که تو باعث گمراهی من شدی در جواب می گوید: (من در دنیا قوه اختیار و الزامی نداشتم حدود قدرت من فقط دعوت بود، من شما را به سوی گناه خواندم و شما هم دعوت مرا اجابت کردید. من را ملامت نکنید خود را ملامت کنید). (علی رضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ص ۲۹۵)

از این آیات نورانی نتیجه می‌گیریم که مرتبه وجود انسان ایجاب می‌کند که مختار آفریده شده است و موجود مختار هم همواره بر سر دوراهی قرار دارد که انتخاب کند راهی را که خداوند سبحان در اختیار او گذاشته است یا راه شیطان را انتخاب کند.

بنابراین دعوت شیطان منحصر در القائات غیر مستقیم و قلبی نمی‌باشد. البته اظهار نظر درباره این که محدوده اختیارات آن‌ها دقیقاً چقدر بوده و آن‌ها تا چه اندازه قادرند بر افعال انسان‌ها تاثیر مستقیم داشته باشند چیزی نیست که با عقول عادی بشر قابل فهم باشد و آیات و روایات نیز در این زمینه فقط به بیان برخی از مصادیق آن اشاره کرده‌اند نه میزان دقیق قدرت آنها اما آنچه در این زمینه قطعی است اصل تاثیر آن‌ها و اذکار و اورادی است که در مقابل از ائمه وارد شده است مثلاً از امام صادق (ع) نقل شده درباره آثار سوره ناس کسی که سوره ناس را در منزلش قرائت کند از جن و وسوسه‌ها محفوظ می‌ماند کسی که آن سوره را بنویسد و بر اطفال کوچک ببندد به اذن خدا از شر جنیان محفوظ می‌ماند. (سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۱۷)

اصولاً شیطان برنامه‌های خود را با مخفی‌کاری می‌آمیزد و گاه چنان در گوش جان انسان می‌دمد که انسان باور می‌کند فکر، فکر خود اوست و از درون جانش جوشیده و همین باعث اغوا و گمراهی او می‌شود. این‌ها همه از یک سو از سوی دیگر جمله "من الجنة و الناس" هشدار می‌دهد که (وسواسان خناس) تنها در میان یک گروه و یک جماعت و در یک قشر و یک لباس نیستند در میان جن و انس پراکنده‌اند و در هر لباس و هر جماعتی یافت می‌شوند باید مراقب همه آن‌ها بود و باید از شر همه آنها به خدا پناه برد. (علیرضا رجالی تهرانی، جن و شیطان، ج ۲، ص ۲۹۷)

نتیجه گیری

تهدید پنهان و نرم واقعی است که پیوسته با انسان دست به گریبان بوده است و موجب نافرمانی فراوان نیز شده است. پرسابقه ترین این نوع تهدید از ناحیه شیطان در مقابل انسان بوده است. تهدیدهای شیطان بر اثر سرخوردگی او و دوری از رحمت الهی و به قصد انتقام جویی از آدم و فرزندان او صورت پذیرفته است. نفس اماره و مختار بودن انسان از ابزارهایی است که شیطان در این تهدید به کار می گیرد. اما با این ابزار بر انسان تسلط پیدا نمی کند و تنها او را به مقصود شیطانی خویش دعوت می کند شیطان قسم خورده تا به منظور گمراه سازی انسان از روش های متعدد مانند: وسوسه، فریب، وعده های دروغ، فراهم سازی انجام گناه، فساد انگیزی و مانند آن بهره می جوید.

بهترین راه مقابله با شیطان از نظر قرآن پناه بردن به خداوند متعال است که از طریق ذکر مداوم ذات حق، امکان پذیر است و این امر زمانی انجام می پذیرد که انسان به خدای متعال ایمان داشته باشد و تقوای او را پیشه کند. زیرا هدف شیطان، گمراهی انسان و به ذلت انداختن فرزندان آدم می باشد و او از خداوند عمر جاودانی در برابر عبادت چندین ساله خود طلب نمود و تا قیامت به گمراهی انسان تلاش می کند. پس انسان باید دست نیاز به درگاه خداوند دراز کند و با دعا و تضرع سر بر آستان دوست نهد تا زمینه را برای کسب فیوضات خداوندی فراهم سازد و از شیطان دوری جوید.

فهرست منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. انصاریان حسین، عرفان اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶
۲. آملی، آیت الله جواد، تفسیر تسنیم، ج ۳، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۵
۳. بحرانی، سید هاشم، برهان فی تفسیر القرآن، ج ۲ و ۵، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ه.ق
۴. رضایی، رضا، اسرار اجنه، چاپ اول، شرکت انتشارات مسلم، ۱۳۷۶
۵. رضایی، مهدی، شیطان در کمینگاه، چاپ اول، انتشارات حدیث نینوا، ۱۳۸۶
۶. راغب اصفهانی، حسین خداپرست، مفردات فی غریب القرآن، بیتا، ۱۳۸۷
۷. سعادت پرور، علی، سرالاسرار، چاپ اول، قم، انتشارات تشیع، ۱۳۷۴
۸. حسین دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، چاپ اول، موسسه فرهنگی آرا، بیجا، ۱۳۸۵
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۰، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۷۰
۱۰. عمید، حسین، فرهنگ عمید، امیرکبیر، چاپ سی ام، تهران، موسسه امیرکبیر، ۱۳۸۳
۱۱. علی اکبر، صداقت، یکصد موضوع و پانصد داستان، چاپ پنجم، قم، انتشارات ناصر، ۱۳۷۹
۱۲. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، بیتا، چاپ سوم، ج ۱، قم، منشورات الحجرت، ۱۳۸۳
۱۳. فیوضی، احمد بن محمد، المصباح المیزان، بیتا، چاپ اول، قم، منشورات دارالرضی.

۱۴. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، چاپ پنجاه و یک، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۶

۱۵. -----، -----، -----، ج ۶، چاپ سی و سوم، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۶

۱۶. -----، -----، -----، ج ۱۹، چاپ بیست و هفتم، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۶

۱۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرالحکم و درالکلم، مهدی رجایی، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه.ق

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مصطفوی، ج ۴، چاپ سوم، تهران، قائم آل محمد، ۱۳۸۶

۱۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۷، چاپ یازدهم، ناشر، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۴

۲۰. نصیری، علی، حدیث شناسی، ج ۱، چاپ اول، ناشر سنابل، ۱۳۸۳

۲۱. رجالی تهرانی، علیرضا، جن و شیطان، ج ۲، آقای مصباح، تفسیر نمونه، معارف و معارف.

۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت ج ۱۱، باب ۶، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.